

## امنیت انسانی و کسب و کار در پرتو حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی جنبه‌های هفتگانه

محمد قلبی وایقان<sup>۱</sup>

\* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

کدمقاله: JHVMN-۲۵۰۳-۱۲۸۳

### چکیده

امنیت انسانی، که شامل هفت جنبه اصلی (شخصی، محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، سلامت و غذایی) است، به عنوان حفاظت از هسته حیاتی زندگی انسان‌ها در برابر تهدیدات فراگیر تعریف می‌شود. در دنیای امروز، کسب و کارها به عنوان بازیگران اصلی اقتصاد جهانی، نقش مهمی در تقویت این جنبه‌ها ایفا می‌کنند. با توجه به فرآیند جهانی شدن، مسئولیت کسب و کارها فراتر از سودآوری قدم گذاشته و به تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی نیز گسترش یافته است. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی، درصدد است نقش مؤثر پایبندی به الزامات امنیت انسانی را در ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و هم‌زمان، تحکیم پایه‌های امنیتی جوامع مورد کنکاش قرار دهد. پرسش محوری که این پژوهش حول آن شکل گرفته، تحلیل تعاملات میان سطوح هفت‌گانه امنیت انسانی با الگوهای عملیاتی کسب و کارها در سایه قوانین بین‌المللی است. این پژوهش از آن رو دارای اهمیت است که تحقق امنیت انسانی، فراتر از یک آرمان ارزشمند اخلاق محور، به مؤلفه‌ای راهبردی در تضمین بقا و رشد جوامع بدل گشته است؛ به گونه‌ای که در اکوسیستم پویا و به هم پیوسته کنونی، غفلت از این اصل حیاتی، پایداری عملیاتی بنگاه‌ها را در بلندمدت با چالش مواجه می‌سازد. یافته پژوهش می‌تواند موانع ساختاری و ظرفیت‌های نهفته‌ای را که واحدهای تجاری در تعامل با مفاهیم امنیت انسانی تجربه می‌کنند، مورد ارزیابی قرار داده و با ارائه چارچوب‌های سیاستی نوین، سازوکارهای همسوی هرچه بیشتر منافع اقتصادی با استانداردهای حقوق بشری را پیشنهاد دهد.

**واژگان کلیدی:** امنیت انسانی، کسب و کار، توسعه پایدار، حقوق بشر، حقوق بین الملل.

<sup>۱</sup> محمد قلبی وایقان، دانش آموخته کارشناسی‌ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). mohammad.ghalbi@ut.ac.ir



## مقدمه

در دنیای امروز، امنیت انسانی به عنوان یک مفهوم کلیدی در توسعه پایدار و رفاه اجتماعی شناخته می‌شود. این مفهوم به جنبه‌های گوناگونی از زندگی انسان‌ها از جمله امنیت شخصی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی، سلامت و غذایی اشاره دارد. در این راستا، کسب و کارها به عنوان بازیگران اصلی در اقتصاد جهانی، نقش بسزایی در تامین و تقویت این جنبه‌ها ایفا می‌کنند. با پیشرفت جهانی شدن و افزایش تعاملات بین‌المللی، مسئولیت کسب و کارها فراتر از تولید و سودآوری رفته و به تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی آن نیز گسترش یافته است. در این چارچوب، حقوق بین‌الملل به عنوان یک ابزار مهم برای تعیین استانداردها و الزامات مربوط به رفتارهای اخلاقی و مسئولانه کسب و کارها عمل می‌کند. این حقوق نه تنها به حمایت از حقوق بشر و امنیت انسانی کمک می‌کند، بلکه به کسب و کارها نیز این امکان را می‌دهد تا با رعایت این اصول، اعتبار و اعتماد بیشتری از سوی جامعه و مشتریان به دست آورند. پس از صلح وستفالی در ۱۶۴۸، نظام امنیت بین‌الملل منطبق با تفکر تشکیل دولت مدرن بر حقوق حاکمیتی بنا یافت و سیستم و پایه‌های سیاسی دنیا را دگرگونه کرد. این سیستم باعث پایان یافتن کشتار دسته جمعی فرقه‌های مسیحی بر سر وجود اختلاف در تعاریف این آئین شد. پس از جنگ جهانی دوم توجه به امنیت دولتی در پوشش مکتب واقع‌گرایی سبب تمرکز بر امنیت بین‌المللی دولت محور شد. تأثیرات این رویکرد را می‌توان در جنگ سرد نظاره کرد. این درحالی بود که مکتب واقع‌گرایی به امنیت دولت با موضوع نظامی متمرکز بود. (حیران نیا و دیگران، ۱۴۰۲، ۱۸۳) نظام لیبرال پس از جنگ سرد، رویکرد تازه‌ای به ساختار امنیت بین‌الملل و سایر شاخص‌های توسعه انسانی بخشید. لیبرالیسم در قرن ۲۱، پس از پشت سر گذاشتن دو مکتب هم‌عرض (کمونیست و فاشیست)، نسخه جدیدی در راستای برنامه توسعه در جهان پیچید. این مکتب، با مقصود رهایی انسان از نیاز و نگرانی، به خلق نظریه امنیتی رو می‌آورد. با ایجاد دگرگونی در موضوع امنیت، با مرجع قرار دادن انسان در صدر تحقق امر منزلت انسانی می‌باشد. با وجود این از منظر سازمان ملل، امنیت انسانی تکمیل‌کننده امنیت دولتی و سبب حفاظت از حقوق بشر و باعث تقویت توسعه انسانی است. سازمان ملل این مقصود را دنبال می‌کند که افراد، نیرومند شده تا از جانب خود اقدام کنند. بنابراین امنیت انسانی، عناصر انسانی امنیت، حقوق و توسعه را

گردهم می‌آورد. (Alkire, S. ۲۰۰۳)

طبق تعریف کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل، امنیت انسانی عبارت است از «حفاظت از هسته حیاتی زندگی انسان‌ها به روش‌هایی که آزادی‌های انسانی و تحقق انسانیت را افزایش می‌دهد».



امنیت انسانی به معنای محافظت از آزادی‌های اساسی است. آزادی‌هایی که جوهره زندگی هستند. (Commission on Human Security, ۲۰۰۳) این به معنی دفاع از مردم در برابر نیروها و آسیب‌های بحرانی می‌باشد. این به مفهوم استفاده از فرایندهایی است که بر روی نقاط قوت و آمال انسانها بنا نهاده شده است. به عبارت دیگر، تاسیس بنیادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در میان هم‌دیگر شرط کرامت، معیشت، آزادی انسان‌ها می‌باشد. لازم به ذکر است آنچه هسته حیاتی زندگی و جوهره امنیت انسانی تصور می‌شود، در جوامع مختلف، متفاوت جلوه می‌کند. لذا مفاهیم مرتبط با امنیت انسانی بایستی پویا باشند (Alkire, S. ۲۰۰۳).

بنابراین، برنامه توسعه ملل متحد به کاوش مسائل و بعدهای مفهومی و حقوقی آن پرداخت و بیان کرد فرد انسانی باید در مرکز امور باشد. همچنین برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴ اظهار داشت: در جزء «رهای از ترس» و «رهای از نیاز» موارد مربوط به امنیت انسانی جهت نهادینه کردن مولفه مزبور در دستور کار می‌باشد. سازمان ملل متحد نخستین بار مفهوم امنیت انسانی را در کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح "کمیسیون پالمه" در ۱۹۸۲ مطرح کرد. پس از آن در ۱۹۹۲ توسط پتروس گالی، دبیرکل وقت سازمان ملل بعد از انتشار در دستور کار صلح مطرح شد. بر این اساس، تهدیدات مربوط به امنیت جهانی، ماهیت نظامی ندارد و جنبه‌های دیگر آن مثل محیط زیست، تجارت بین الملل، توسعه پایدار در اقتصاد مورد تاکید می‌باشد. ژاپن به سال ۱۹۹۹ یک صندوق امانی با محوریت سازمان ملل تاسیس کرد و حرکت به سمت تشکیل یک کمیسیون امنیت انسانی را هدایت و رهبری کرد. از جمله اهداف این کمیسیون:

۱- ارتقای مشارکت و حمایت عمومی از امنیت انسانی و الزامات انسانی

۲- پیشنهاد یک برنامه اقدام ویژه جهت مقابله با تهدیدات بحرانی و فراگیر علیه امنیت انسانی

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال شناسایی این امر مهم است که چگونه رعایت و توجه به این جنبه‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد کسب و کارها و در عین حال تقویت امنیت انسانی در جوامع مختلف منجر شود. به عبارت دیگر، این سوال مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین جنبه‌های هفتگانه امنیت انسانی و کسب و کارها در پرتو حقوق بین الملل وجود دارد؟ همچنین، این مطالعه به چالش‌ها و فرصت‌هایی که کسب و کارها در این زمینه با آن‌ها مواجه هستند، پرداخته و راهکارهایی برای بهبود تعاملات بین حقوق بین الملل و کسب و کارها ارائه خواهد داد. در نهایت، این پژوهش بدین جهت ضروری می‌نماید که امنیت انسانی نه تنها یک هدف اجتماعی و اخلاقی است، بلکه به عنوان یک



عامل حیاتی در موفقیت و پایداری کسب و کارها در دنیای پیچیده و متغییر امروز نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

هدف امنیت انسانی، «حفاظت از هسته حیاتی زندگی انسان‌ها در برابر تهدیدات فراگیر بحرانی» می‌باشد. گزارش برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴ هفت جنبه و بعد امنیت انسانی را نام می‌برد که عبارت‌اند از: ۱- شخصی ۲- محیطی ۳- اقتصادی ۴- سیاسی ۵- اجتماعی ۶- سلامت ۷- غذایی. گزارش توسعه انسانی (UNDP) در سال ۱۹۹۹ از اقدامات عمده برای تامین امنیت انسانی در طول بحران‌های اقتصادی حمایت می‌کند. همچنین از کاهش سایر عوامل ناامنی انسانی مانند جنایات جهانی، تخریب محیط زیست و ارتباطاتی که تنوع فرهنگی را به دلیل هنجارهای خشونت‌ی و پورنوگرافی که در رسانه‌ها رایج است تهدید می‌کند همیاری می‌کند (حیران نیا، ۱۴۰۲، ۲۰۸). در سال ۱۹۹۷، کانادا طی اعلامیه‌ای اذعان کرد: ایجاد و حفظ صلح، خلع سلاح، حفاظت از اشخاص و توسعه اقتصادی از طریق "تجارت مبتنی بر قانون" حوزه‌های کلیدی تلاش برای امنیت انسانی اتاوا هستند. (Axworthy, ۲۰۰۳, pp. ۱۸۵-۱۹۱) به منظور پیشبرد این دستور کار، کانادا باید به طور فزاینده‌ای، به قدرت نرم و هنر انتشار اطلاعات در چنین شرایطی تکیه می‌کند. از سری راه‌های ایده آل در جهت درک اهمیت امنیت انسانی، از جمله شبکه سازی، ایجاد ائتلاف و گردآوری می‌باشد. (A Perspective on Human Security, ۲۰۰۳) در مجموع سه اصل مهم را باید در تاثیر امنیت انسانی بر کسب و کارها در نظر گرفت. ۱- جامعه بین المللی باید در پاره‌ای از مواقع، در چارچوب منشور سازمان ملل متحد، متوسل به قوای قهریه شود. ۲- سیاست‌های امنیت ملی باید تغییر کند تا به ارتقای هدف امنیت انسانی توجه لازم مبذول شود. جزء لاینفک دستور کار سیاست امنیتی جدید باید ارتقای هنجارها و نهادها و استفاده از راهبردهای توسعه باشد. هنجارهایی مانند "حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق پناهندگان" استانداردهای تعیین رفتار را تعیین می‌کند. استراتژی‌های توسعه احتمالا شرایطی را بوجود می‌آورند که رعایت هنجارها برای دولت و بازیگران غیردولتی آسان‌تر خواهد بود. ۳- ایجاد ائتلافی از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی که توسعه را ارتقاء داده و به اجرای هنجارهای مورد توافق کمک می‌کنند. (KP, Bajpai, ۲۰۰۰)

### ۱- امنیت شخصی

این نوع امنیت هم اشاره به جلوگیری از خشونت فیزیکی از قبیل خشونت‌های ناشی از جنگ، جنایات، سوءاستفاده و نیز خشونت روحی، اخلاقی یا جسمی ناشی از نقض حقوق بشر اشاره دارد. ضعف



امنیت شخصی به دلیل فقدان مکانیسم های موثر برای کنترل مدنی بر پلیس و نهادهای مسئول نظم عمومی، همچنین ناتوانی دولت در حمایت از حقوق انسانی تشدید می شود. امنیت شخصی مستلزم امنیت از خشونت فیزیکی و تهدیدهای مختلف است. به طور مثال در افغانستان مردم به طور فزاینده ای توسط خشونت های ناگهانی و غیرقابل پیشبینی تهدید می شوند. مانند تهدیدهای شبه نظامیان مسلح و قدرتمند حاکم از طریق شکنجه فیزیکی توسط نیروهای امنیتی و پلیس، تهدیدات تروریسم بین المللی یا فرامرزی مورد حمایت طالبان، حمله به غیرنظامیان، تهدید افراد و گروه ها علیه سایر خشونت های فردی یا خیابانی، تهدید به گروگان گیری توسط دشمنان، تهدید علیه زنان مانند خشونت خانگی، کودک آزاری یا تجاوز جنسی و امثالهم. مواردی هستند که در حال افزایش اند. ساختارهای اساسی مجری قانون، روند قانونی و قضایی ناکارآمد از جمله در دادگاه های برخی مناطق باعث ضعف امنیت شخصی می شود. در برخی کشورها بی اعتنائی عمومی به حاکمیت قانون نه تنها در میان سازمان های شبه نظامی بلکه در میان عوامل دولت و حتی جامعه بین المللی نیز وجود دارد. در نهایت تداوم نقض حقوق بشر از یک سو انعکاس فقدان اراده سیاسی و از سوی دیگر آگاهی کم مردم نسبت به مسائل حقوق بشری است.

تهدید امنیت شخصی امروزه در جهان از جمله در کشورهای در حال توسعه ای همچون افغانستان، میانمار، فلسطین اشغالی، ممالک آفریقا و ... در حال افزایش است. از پیامدهای آن می توان جنایات، جنگ، تجارت مواد مخدر و مصرف آن، تروریسم، خشونت علیه زنان و حتی فساد یقه سفیدها را برشمرد. همچنین رشوه، اختلاس و کلاهبرداری که امنیت دولت را تضعیف می کند اما بر امنیت افراد نیز اثر می گذارد. افزایش تجارت غیرقانونی مواد مخدر و همچنین تروریسم افراطی از مظاهر ناامنی انسانی هستند و به افزایش فعالیت های مجرمانه و قربانی شدن کمک می کند. اگرچه تقویت ساختارهای مجری قانون برای محافظت از مردم در برابر جنایات شخصی و تهدیدات تروریستی مهم است اما درک انگیزه هایی که مردم را وادار به جست و جوی ابزارهای غیرقانونی ابراز ناامنی می کند به همان اندازه مهم است. (Tadjbakhsh, ۲۰۰۵, p. ۶۱)

قرارداد مراکش در سال ۱۹۹۴ که به دور اروگوئه پایان داد، جهشی قابل توجه در یکپارچه سازی بازارهای جهانی بود. این نه تنها کاهش بی سابقه ای در موانع تجارت را به همراه داشت، بلکه معرفی توافقنامه های چندجانبه به جای دوجانبه و گسترش قوانین تجاری فراتر از حوزه های سنتی به موضوعاتی مانند مالکیت معنوی و خدمات را به همراه داشت. همچنین به ترتیبات نهادی برای اجرای توافقات با تاسیس سازمان تجارت جهانی منجر شد. این ترتیبات جدید تأثیرات جهانی گسترده تری

را بر اقتصادهای ملی پیش بینی می‌کردند که توافق های تجاری قبلا تجربه کرده بودند. طی ۳۰ سال گذشته، صادرات جهانی کالاها و خدمات تقریباً سه برابر شده است. گردش مالی روزانه در بازارهای ارز از حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۷۰ به ۱.۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت (بانک تسویه بین المللی، ۲۰۰۲). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هفت برابر شده است و در سال ۲۰۰۱ به ۷۳۵ میلیارد دلار رسیده است. در حالی که جریان سرمایه کوتاه مدت سه برابر در ۲۰ سال گذشته رشد کرده است و در مجموع به بیش از ۲ تریلیون دلار رسیده است (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل ۲۰۰۲). وام بانک جهانی از مجموع ۲۶۵ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۷۵ به ۹.۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. (Bank for International Settlements, ۲۰۰۳). ادغامها و تملک‌های سالانه فرامرزی در سال ۲۰۰۱ به ۶۰۱ میلیارد دلار آمریکا رسید. در اوایل دهه ۱۹۹۰، آنها فقط ۱۵۱ میلیارد دلار آمریکا را به خود اختصاص دادند (کنفرانس سازمان ملل در تجارت و توسعه، ۲۰۰۲). آزادسازی تجارت خارجی بخشی از آزادسازی بیشتر اقتصادها به طور کلی بوده است که با کوچک شدن بخش عمومی به ویژه در تولید و خدمات همراه شده است. تعداد فزاینده‌ای از کشورهای در حال توسعه با حمایت قوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، رویکرد تجارت باز را اتخاذ کردند و از سیاست‌های جایگزینی واردات دور شدند. تا سال ۱۹۹۷، هند تعرفه‌های خود را از میانگین ۸۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۰ درصد، برزیل از ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۱۲ درصد و چین از ۴۳ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱۱ درصد کاهش داد. نه تنها در تجارت، بلکه در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورهای در حال توسعه نیز مقررات زدایی مالی خود را آغاز کردند: آرژانتین، مکزیک و تایلند بازار سرمایه خود را باز کردند (وولی، ۱۹۹۹). این تغییرات بازار و فرصت های شغلی زیادی را برای مردم باز کرد، اما با قرار دادن اقتصادهای ملی در معرض رقابت شدید بازارهای جهانی، امنیت انسانی را در زمینه‌هایی مانند ناامنی شغلی تحت تأثیر قرار داد. بسیاری همچنین استدلال می‌کنند که محیط جدید آزادسازی اقتصادی، گزینه‌های سیاست را برای دولت‌های ملی از نظر امنیت اجتماعی، از جمله شبکه‌های امنیت اجتماعی، مزایای بیکاری، آموزش و تحصیل و خدمات پزشکی محدود کرد. (Fukuda-Parr, ۲۰۰۳, p. ۱۶۸)



## ۲- امنیت سیاسی

طرد سیاسی در قالب برجسب زدن و کلیشه سازی به کل گروه های قومی، زبانی، مذهبی و انحصار قدرت جلوه می کند. آموزش محدود به گروه های خاص، توزیع نابرابر منابع و انحصار رسانه های عمومی توسط یک گروه از جمله مواردی است که امنیت انسانی را به خطر می اندازد. برای تغییر سلطه منفی و تهدید قدرت داران بر روند دولت سازی در کشور لازم است اصلاحات سیاسی برای رفع تضاد منافع در ساختار دولت و در انسجام این کار تامین امنیت ملی انجام شود. منافع کل افراد به جای منافع گروه های خاص، تهدیدها همچنین شامل تصویری است که مردم از رابطه بین دولت و جنگ سالاران و روسای مواد مخدر و انواع مافیایها دارند. گروه های خاص منطقه همان افرادی اند که نفوذ قابل توجهی بر منافع کمیاب دارند و اغلب قوانین خود و منافع شخصی گروهی یا قومی متمرکز بودند. (Tadjbakhsh, ۲۰۰۵, p. ۶۲)

### ۲-۱- جنایات جهانی

مجرمان برخی از کارآفرین ترین عناصر در بهره برداری از فرصت های ایجاد شده توسط زمان، مکان و مرزهای جهانی یکپارچه بوده اند. سندیکاها و جنایتکار عملیات خود را در سراسر مرزها گسترش داده اند، اتحادها و شبکه های جهانی ایجاد کرده اند، از مرزهای باز اقتصادی و سیاسی برای قاچاق انسان، پولشویی و سایر فعالیت ها استفاده می کنند. جهانی شدن، بسیاری از عملیات جنایی را تسهیل می کند. به عنوان مثال، پولشویی با بانکداری و خدمات مالی جهانی و آزادسازی کنترل ارز آسان تر است. فناوری های جدید فرصت هایی را برای جرم و جنایت باز می کند. یک هکر کامپیوتری می تواند میلیون ها دلار را از موسسات مالی سرقت کند. از بین بردن اسرار بانکی و ارائه حمایت از شاهدان برای تحقیقات خارجی به طور چشم گیری اثربخشی مبارزه جهانی علیه جرم و جنایت بین المللی را بهبود می بخشد. کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی اولین گام مهمی است که شایسته حمایت است. گسترش جرم و جنایت، افراد را در معرض تهدید امنیت شخصی و تباهی مالی، از جمله پیامدهای دیگر قرار می دهد. تخمین زده می شود که قدرت اقتصادی جرایم سازمان یافته ۲ تریلیون دلار در سال باشد که رقیب شرکت های چند ملیتی است. (Fukuda-Parr, ۲۰۰۳, p. ۱۷۱)



در سال ۱۹۹۵ تجارت غیرقانونی مواد مخدر ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شد که حدود ۸ درصد تجارت جهانی را شامل می‌شود. بالتبع این آمار بیشتر از تجارت وسایل نقلیه موتوری یا آهن و فولاد و تقریباً به اندازه تجارت منسوجات، گاز و نفت است. در آفریقای جنوبی، مسلسل‌هایی که از آنگولا و موزامبیک وارد می‌شوند به طور فزاینده‌ای در جنایات مورد استفاده قرار می‌گیرند. در آلبانی پنج برابر بیشتر از سال ۱۹۹۶ قتل در سال ۱۹۹۷ رخ داد که این افزایش به تسلیح غیرقانونی غیرنظامیان نسبت داده شد (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۹). این موضوعات در راس برنامه‌های توسعه و درگیری نبوده است. آن‌ها باید فوراً در دستور کار امنیت انسانی مورد بررسی قرار گیرند. (Fukuda-Parr, ۲۰۰۳, p. ۱۷۲)

### ۳- امنیت اقتصادی

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، امنیت اقتصادی را شرایط افراد، خانواده‌ها یا جوامعی تعریف می‌کند که با توجه به الزامات فیزیولوژیکی، محیط زیست و استانداردهای فرهنگی رایج، می‌تواند نیازهای ضروری و هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر خود را به شیوه‌ای پایدار پوشش دهد. (C Lindsey, ۲۰۰۱)

امنیت اقتصادی عنصر اصلی امنیت ملی است حتی اگر مرزها از همیشه اهمیت کمتری داشته باشد. بدون سرمایه، تجارت وجود ندارد و بدون تجارت، هیچ سودی وجود ندارد. بدون سود، شغلی وجود ندارد و بدون شغل هیچ مالیاتی وجود ندارد و هیچ توانایی نظامی وجود ندارد. دوام زیرساخت‌های صنعتی کشور که برای مردم آن، شغل فراهم می‌کند باعث افزایش ثروت می‌شود. بدون شغل، کیفیت زندگی مردم به حدی بدتر می‌شود که جامعه می‌تواند از هم بپاشد و همچنین می‌تواند منجر به درگیری در سطوح مختلف شود. در معنای کلی می‌توان امنیت اقتصادی را چنین تعریف کرد: «نوعی امنیت مالی می‌باشد که به شرط داشتن درآمد پایدار یا سایر منابع برای حمایت از استاندارد زندگی در حال حاضر و آینده شامل قابل پیش‌بینی بودن جریان نقدی آتی یک شخص یا سایر واحدهای اقتصادی مانند یک کشور تعریف می‌شود». (Isroilov et al., ۲۰۲۳, p. ۶۴)

#### ۳-۱- سرایت در بازارهای مالی

نوسانات مالی با باز شدن بازارهای سرمایه همراه است، اما توافق در مورد چگونگی مهار نوسانات به کندی پدیدار می‌شود. موسسات و سیاست‌های عملیات نجات اضطراری برای دوره‌های قبل ساخته



شده‌اند. بحث در مورد معماری جدید مالی به کندی ایجاد می‌شود<sup>۱</sup>. خالص جریان‌های مالی به اندونزی، کره، مالزی، فیلیپین و تایلند در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۹۳ میلیارد دلار آمریکا بود. آشفتنی در بازارهای مالی باعث خروج خالص ۱۲ میلیارد دلاری پنج کشور (GDP) شد. پیامدهای جهانی بحران آسیای شرقی به معنای کاهش ۲ تریلیون دلاری تولید جهانی بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ بود. بحران مالی در شرق آسیا زندگی میلیون‌ها نفر را بی ثبات کرد و چشم انداز رشد را در آن منطقه و جهان کاهش داد. در تایلند، بسیاری از سرمایه گذاران تایلندی و خارجی سرمایه خود را از دست دادند. رویکرد مالی توصیه شده توسط صندوق بین المللی پول رکود را بیشتر عمیق تر کرد (گرفیث جونز و کیمیس، ۲۰۰۲)<sup>۲</sup>. در حالی که رشد تولید و تعادل کلان اقتصادی پس از یک بحران اقتصادی معمولاً ۱ سال طول می‌کشد تا تهدید جدید برای امنیت انسانی به سطوح قبل از بحران بازگردد، اشتغال و دستمزدها بیشتر طول می‌کشد (لی و ری، ۱۹۹۹).

واقعیت این است که اقتصاد جهانی در برابر بحران‌های مشابه آسیب‌پذیر است و عواقب شدیدی برای زندگی مردم دارد. بی ثباتی بازار کار و تهدید امنیت شغلی حرکت سریع اقتصاد و ساختار مجدد تولید به «زنجیره‌های ارزش جهانی»، رقابت برای بازارهای جهانی و تغییرات سریع فناوری، همگی فرصت‌های جدیدی را برای مشاغل باز می‌کنند. اما آنها همچنین بازارهای کار را برای انعطاف پذیری بیشتر و افزایش ناامنی شغلی برای کارگران تحت فشار قرار می‌دهند. رقابتی بودن در بازارهای امروزی مستلزم آن است که کارگران انعطاف پذیری بیشتری برای انجام فعالیت‌های جدید، آموزش و بازآموزی داشته باشند. تهدیدات برای امنیت انسانی نه از سطوح بالای بیکاری، بلکه از تهدید دائمی بازسازی ساختار ناشی می‌شود. تأثیر اشتغال بر جهانی شدن لزوماً بر سطح اشتغال و بیکاری نیست، بلکه بر تغییر سریع تقاضا برای نیروی کار است که منجر به ناامنی شغلی می‌شود. ادغام‌ها و تملک‌ها باعث تغییر ساختار شرکت‌ها، کوچک سازی و اخراج‌های گسترده شده است. کشورها قوانین اخراج کارگران را هم در منطقه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و هم در کشورهای در حال توسعه ضعیف کرده‌اند. رشد اقتصادی پایدار باعث کاهش بیکاری در اروپا نشده است، بیکاری که برای یک دهه در سطح ۱۱ درصد باقی مانده است و ۳۵ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده است. سازمان بین المللی کار تخمین زده است که بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ بیکاری جهانی ۲۰ میلیون نفر افزایش یافته است. این سازمان معتقد است که حداقل یک میلیارد شغل جدید طی ۱۰

<sup>۱</sup>. (Eatwell and Taylor, ۱۹۹۸a; Eatwell and Taylor, ۱۹۹۸b)

<sup>۲</sup>. Griffith Jones



سال آینده برای جذب افراد جدید به بازار کار و کاهش فقر و بیکاری در کار مورد نیاز است (سازمان بین المللی کار، ۲۰۰۳).

سیاست گذاران باید برای اطمینان از دسترسی به پیشرفت های فناوری جهانی در زمانی که امنیت انسانی در خطر است، واکنش نشان دهند. درگیری های درون مرزهای ملی، جهانی شدن نابرابر نیز جوامع، ملت ها و مناطق را از هم جدا می کند و بر امنیت انسانی تأثیر می گذارد. تنش ها و درگیری های اجتماعی زمانی شعله ور می شوند که نابرابری افراطی بین افراد به حاشیه رانده و قدرتمند وجود داشته باشد. در دو دهه گذشته، افراد بیشتری از درگیری های خشونت آمیز بین گروه ها در داخل کشورها جان خود را از دست داده یا متحمل آسیب شده اند. در دهه ۱۹۹۰، تقریباً ۳.۶ میلیون نفر در درگیری های درون کشوری جان خود را از دست دادند، در حالی که ۲۲۰۰۰۰ نفر بر اثر جنگ بین کشورها جان خود را از دست دادند. تعداد آوارگان داخلی به طور چشم گیری افزایش یافته است و تا پایان سال ۲۰۰۰ به شش میلیون نفر رسیده است (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۰۲). گسترش سریع بازارهای جهانی محیطی را ایجاد می کند که در آن می توان امنیت انسانی را به راحتی نادیده گرفت، زیرا افراد، شرکت ها و ملت ها در سطح جهانی رقابت می کنند و در جستجوی کارایی اقتصادی خصوصی و کوچک می شوند. سرمایه گذاری بیشتر برای تجهیز مردم در برابر آسیب پذیری های یک اقتصاد رقابتی در سطح جهانی و یک جامعه شبکه ای جهانی ضروری است. نوسانات مالی، جرم و جنایت جهانی، فقدان امنیت شغلی، خشونت و درگیری نه تنها به سیاست های جدید، بلکه قوی تر برای حفاظت و ارتقای امنیت انسانی، از جمله سیاست هایی که اغلب «حمایت اجتماعی» نامیده می شوند، نیاز دارند. بسیاری از مشکلات امنیت انسانی فراتر از آن چیزی است که کشورها می توانند به تنهایی با آن مقابله کنند و نیاز به همکاری بین المللی قوی تر دارد. نه تنها از سوی کشورها، بلکه از سوی جوامع، سازمان های غیردولتی و شرکت ها نیز نیاز به همکاری احساس می شود (FUKUDA-PARR, op.cit. ۲۰۰۳, P. ۱۷۴-۱۷۶)

#### ۴- امنیت محیطی

مقررات مختلفی در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار در عملیات های مختلف وجود دارد. از جمله می توان به مقررات محیط زیستی اروپایی همچون معاهده رم ۱۹۵۷ و ماستریخت ۱۹۹۲ اشاره کرد. معاهدات مذکور، موجب اختلاط قوانین زیست محیطی و اتحادیه اروپا شده اند. اکثر این مقررات بر زباله های صنعتی، آلودگی هوا، حمل و نقل و آلودگی های فراسرزمینی مرتبط است. مقررات دیگر در



تلاقی بین محیط زیست و فعالیت‌های مختلف از جمله کسب و کارهای شکننده هوای پاک که منجر به امنیت محیطی می‌شود «افتا» یا همان توافق نامه چندجانبه و منطقه‌ای بود که به مسئله حفاظت از محیط زیست پرداخت. (جلالی و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۰) محور دیگر بحث در مورد مقولات کسب و کار و محیط زیست را می‌توان به (مرکوسور) بازار مشترک جنوب اشاره کرد. این یک معاهده تجاری منطقه‌ای است که در سال ۱۹۹۱ به موجب قرارداد آسنسیون (Asuncion) بین دول آرژانتین، پاراگوئه، اروگوئه و برزیل تشکیل شد. هدف از تشکیل مرکوسور (بازار مشترک جنوب)، رشد تجارت و تبادلات نامحدود کالاها، واحد ارزی و نیروی انسانی بین کشورهای عضو بود. به موجب ماده ۵ فصل سوم توافق نامه زیست محیطی مرکوسور: دولت‌های عضو متعهد شده‌اند در اجرای توافقات محیط زیست بین المللی، همکاری‌های لازم را جهت اتخاذ سیاست مشترک برای حفاظت و بهره‌برداری از محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و ارتقای توسعه پایدار مبذول بدارند. همچنین ماده ۳ پیمان مزبور، دولت‌ها را تشویق می‌کند در جهت حصول به توسعه پایدار زیست محیطی، همکاری‌های لازم را جهت اجرای تدریجی، منعطف و متعادل سیاست‌های اتخاذ شده بنمایند. ماده ۱ پیمان آسونسیون در مورد تشکیل بازار مشترک و حفاظت از محیط زیست در کنار هم می‌باشد به شرطی که هماهنگی قوانین میان سیاست‌های کلی و جزئی اقتصادی صورت پذیرد. بنابراین مرکوسور بعنوان یک اتحادیه منطقه‌ای که هدفش رسیدن به تلاقی بازار مشترک تجاری و محیط زیست می‌باشد در پرتو اعلامیه ریو ۱۹۹۲ و دستور کار ۲۱ به توسعه پایدار و مسئله حفاظت از محیط زیست توجه خاص داشته و چارچوب خاصی برای توافق محیط زیستی را به تصویب رسانده است که این موجی به منظور رسیدن به مولفه امنیت محیطی در بین اعضا و در میان ارکان مختلف این پیمان می‌باشد. (جلالی و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۶-۵۰). مسئله عمومی محیط زیستی برای نخستین بار در زمان جنگ ویتنام مطرح شد. کنوانسیون تغییر محیط زیست که در سال ۱۹۷۶ در جهت استفاده از روش‌های تغییر محیط زیست تحت عنوان روش جنگی به تصویب رسید. بعداً نیز پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو تصویب شد. به موجب مواد ۳۵ و ۵۵، خسارت شدید و طولانی مدت به محیط زیست در خلال جنگ، منع شده است (رضایی و میر عباسی، ۱۳۹۸، ۱۳۶). نتیجه آنکه مسئله حیاتی امنیت محیطی در قرن ۲۱ به موضوعی تخصصی در مجامع و کنفرانس‌ها تبدیل شده است. تخریب لایه ازن و آلودگی هوا، فضا و دریا در نتیجه فعالیت‌های انسانی در چارچوب اقدامات اشخاص حقوقی در زمینه تجارت، بهره‌برداری از معادن، منابع کره زمین به صورت همسان یا غیرهمسان باعث نگرانی دولت‌ها از فجایع احتمالی آینده شده است. استخراج منابع اولیه و فرستادن آن به شرکت‌های تجاری و ساخت محصولات متنوع، باعث خروج زباله و آلودگی هوا و آب‌ها شده است که مواردی از



تشکیل کنفرانس‌ها و انعقاد پیمان‌های مختلف شده است اما کافی جلوه نمی‌کند. بایستی تدابیر بیشتری در خصوص امنیت محیطی و ارتباط و هماهنگی این امر مهم با کسب و کارها و فعالیت‌های بشر اتخاذ شود تا این نوع امنیت انسانی به خطر نیفتد تا حقوق نوع بشر هرچه بیشتر تامین شود. تولید و ساخت سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی می‌تواند منجر به تشدید بحران زیست محیطی شود. تجاری سازی این نوع فعالیت‌ها اثرات مخربی بر جامعه بشری و محیط دارد و امنیت محیطی را به خطر می‌اندازد (رضایی و میرعباسی، ۱۳۹۸، ۱۳۷).

## ۵- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی را می‌بایست تحت عنوان امنیت فرضی برای جمع بشری استعمال کرد و تعریف و مفهوم آن این چنین است: قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی به منظور رشد و نمو و تکمیل سرمشق‌های سنتی زبان، انجمن‌ها، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و آداب و رسوم. تهدید امنیت اجتماعی همانی است که تهدید «ما» قلمداد می‌شود چونکه بستگی به این دارد هویت «ما» به چه اساسی ساخته شده است یا تشکیل یافته است. مسائلی چند، می‌تواند این نوع امنیت را مخدوش کند. به دو مورد از مخاطرات امنیت اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱. صنعت پورنوگرافی بعنوان یک بخش از اقتصاد جهانی، با چالش‌های متعددی در زمینه حقوق بشر و امنیت اجتماعی مواجه است. از منظر حقوق بین الملل، این صنعت می‌تواند به ایجاد تهدیداتی بر امنیت اجتماعی منجر شود. این صنعت می‌تواند به نقض حقوق بشر بویژه زنان و کودکان منتهی شود. بسیاری از افرادی که در این صنعت مشغول بکار هستند تحت فشارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی فیزیکی قرار دارند. مطابق با کنوانسیون بین المللی رفع تمامی اشکال استثمار و تبعیض علیه زنان، این کسب و کارها به وضوح نقض حقوق بشر محسوب می‌شود<sup>۱</sup>. (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹) یکی از پیامدهای منفی پورنوگرافی، ارتباط آن با تجارت انسان است. طبق گزارش سازمان ملل متحد، بسیاری از افرادی که وارد صنعت مذکور می‌شوند، قربانیان قاچاق انسان هستند. این موضوع تهدیدی جدی برای امنیت اجتماعی و انسانی محسوب می‌شود و سبب ایجاد شبکه‌های زیرزمینی و جرم و جنایت می‌شود. صنعت پورن با وجود اینکه بعنوان یک کسب و کار قانونی در قالب شرکت‌های ملی و فراملی در برخی از کشورها شناخته می‌شود، می‌تواند امنیت اجتماعی و حقوق

<sup>۱</sup>. CEDAW(Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women)



بشر را به مخاطره بباندازد. از این رو، نیاز به نظارت‌های بین‌المللی و سیاست‌های حمایتی در راستای کاهش تأثیرات منفی این صنعت بر جامعه احساس می‌شود.<sup>۱</sup> (دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل، ۲۰۱۰).

۲. صور دیگر تهدید امنیت اجتماعی، اعمال تروریستی می‌باشد. تروریسم می‌تواند به ایجاد وضعیت‌های اضطراری و ناامنی در جوامع منجر شود. این موضوع می‌تواند به افزایش هزینه‌های امنیتی و نظامی، محدودیت‌های بیشتر بر آزادی‌های عمومی و ایجاد جو بی‌اعتمادی بین شهروندان منتهی شود. طبق "کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم" (۱۹۹۹)<sup>۲</sup>، کشورها موظفند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از تامین مالی تروریسم انجام دهند. گروه‌های تروریستی ممکن است از طریق قاچاق مواد مخدر، سلاح، انسان و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی تامین مالی شوند. این کسب و کارها نه تنها به اقتصاد قانونی آسیب می‌زنند، بلکه به ایجاد ناامنی و ترس در جوامع منجر می‌شوند. با گسترش اینترنت، گروه‌های تروریستی می‌توانند از بسترهای آنلاین به منظور جذب نیرو، تبلیغ ایدئولوژی‌های خود و جمع‌آوری کمک‌های مالی استفاده کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند به ترویج خشونت و افراطی‌گرایی در جامعه ختم شوند. (K prisan, ۲۰۱۴) همچنین برخی از گروه‌های تروریستی ممکن است از روش‌های اخذی و تهدید برای تامین مالی خود استفاده کنند که متعاقباً منتهی به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و مشتریان به بازارها و کسب و کارها می‌شود. برای مقابله با تهدیدات تروریستی، دولت‌ها ممکن است سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری در زمینه امنیت عمومی اتخاذ کنند. لذا همکاری‌های بین‌المللی، نظارت‌های دقیق‌تر و سیاست‌های موثرتر برای مقابله با این پدیده و حفظ امنیت اجتماعی بایستی افزایش یابد (K prisan, ۲۰۱۴).

## ۶- امنیت سلامت

امنیت سلامت بعنوان اقدامات مورد نیاز برای پیشگیری و پاسخ به تهدیدات حادی که می‌تواند سلامت مردم را در سراسر جهان به خطر بیندازد تعریف می‌شود. عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند امنیت سلامت ما را به خطر بیندازد. از بیماری‌های عفونی جدید و نو ظهور گرفته تا افزایش مقاومت ضد میکروبی. (Aldis, ۲۰۰۸, ۳۷۰). حق بر سلامت به اندازه کافی به ادعاهای ویژه در مورد منابع

<sup>۱</sup>. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (۲۰۱۰). "The Global Report on Trafficking in persons.

<sup>۲</sup>. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism. (۱۹۹۹)



موجود ترجمه نشد و وضعیت سلامت به آزمون توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی تبدیل نشد. اگرچه ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می‌کند "حق هر کس برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی باید به رسمیت شناخته شود". اجرای این حق اساسا در جنبه نظری ایده‌آل مانده است. بنابراین مهم است که به سلامت، جنبه عملیاتی داده شود. یکی دیگر از تعاریف عملی‌تر از حق بر سلامت، حق داشتن شرایطی است که افراد را قادر می‌سازد تا از پتانسیل کامل خود برای زندگی سالم بهره ببرند. برابری دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی باید یکی از اهداف اصلی سیاست باشد. هر سیستم بهداشت ملی باید دسترسی همگانی به مراقبت‌های با کیفیت کافی را تضمین کند و از تبعیض ناعادلانه و ناموجه بین افراد، گروه‌ها و جوامع اجتناب کند. تلاش برای برابری در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی باید یک هدف اساسی در روند اصلاح بخش سلامت باشد. (WHO/EMRO, ۲۰۰۲, p. ۵)

اگر بخواهیم این دور باطل را بشکنیم و امنیت انسانی را برای همه مردم جهان تضمین کنیم، باید سرمایه‌گذاری بزرگی در بهداشت عمومی در کشورهای در حال توسعه انجام دهیم. عملیاتی کردن رویکرد امنیت انسانی می‌تواند با بسیج منابع و مشارکت‌های جدید و پیوند دادن برنامه‌های بهداشتی با برنامه‌هایی که به اهداف مرتبط می‌پردازند، به استراتژی‌ها و برنامه‌های بهداشتی قبلی ارزش بیافزاید. یک مثال قابل توجه از برنامه ریزی فعلی، دستور کار عملی است که توسط کمیسیون اقتصاد کلان و سلامت (CMH) ارائه شده است. این دستور کار، که مکمل اهداف توسعه هزاره است، بر نیازهای بهداشتی جمعیت عمومی در کشورهای کم درآمد و فقرا در کشورهای با درآمد متوسط تمرکز دارد. همچنین به گفته دفتر منطقه‌ای مدیترانه شرقی (BDN) ابتکار نیازهای توسعه اساسی می‌تواند به ارتقای سلامت و امنیت انسانی کمک کند. این ابتکار یک رویکرد جامع است که به توسعه کلی محلی به منظور دستیابی به کیفیت زندگی بهتر می‌پردازد (کنوانسیون تنوع زیستی، ۱۹۹۳). تجاری سازی درختان جنگلی بویژه در محیط زیست شکننده، منجر به تخریب زیستگاه‌های طبیعی و تغییرات اقلیمی می‌شود. از منظر حقوق بین الملل، این عمل می‌تواند با اصول زیر در تضاد باشد: الف) کنوانسیون تنوع زیستی<sup>۱</sup> (CBD): بر حفاظت از تنوع زیستی تاکید دارد. خسارت به محیط زیست با هدف سودجویی توسط کسب و کارها، متضاد با این کنوانسیون می‌باشد.

۱. United Nations Convention on Biological Diversity .



ب) کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریا<sup>۱</sup> (UNCLOS): آلودگی دریاهای بویژه ناشی از فعالیت‌های صنعتی و تجاری، تأثیرات جدی بر سلامت عمومی و اکوسیستم دریایی دارد. همچنین تخریب محیط زیست و آلودگی هوا از جانب شرکت‌های دولتی و خصوصی، می‌تواند ناقض امنیت سلامت شهروندان باشد. به عبارتی دیگر، عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی منجر به شیوع بیماری‌های تنفسی و عفونی شود. از این رو اجرای قوانین ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی به منظور حفاظت از سلامت عمومی ضروری است.<sup>۲</sup>

## ۷- امنیت غذایی

رایج‌ترین تعریفی که توسط اجلاس جهانی غذا در ۱۹۹۶ در رم ذکر شده است بدین ترتیب است: امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه مردم در هر زمان، دسترسی فیزیکی [اجتماعی] و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند. بعد از آن تعاریف دیگری از امنیت غذایی در نشست فوق‌العاده مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ و اهداف توسعه هزاره عنوان شده است. کامل‌ترین تعریف از امنیت غذایی می‌توان این‌گونه عنوان کرد: دسترسی فیزیکی، اقتصادی و عادلانه همه مردم در طول زندگی به غذای کافی، سالم و مغذی جهت رفع نیازهای تغذیه‌ای سازگار با سلاقی و ترجیحات مردم برای برخورداری از یک زندگی سالم و فعال که دارای ۴ رکن «فراهمی» «دسترسی» «سلامت و مصرف» و «تاب‌آوری [ثبات و پایداری]» می‌باشد. (Simon, ۲۰۱۲, pp. ۴-۶)

از نظر هنجاری، حق بشر برای داشتن غذای کافی ریشه در بند ۱ ماده ۲۵ فوق‌الذکر اعلامیه جهانی و توضیح بیشتر در بند ۲ ماده ۱۱ میثاق دارد که حق اساسی هر شخص را عاری از گرسنگی به رسمیت می‌شناسد. (اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۱، ۵۰) وظیفه دولت‌ها برای اتخاذ تدابیر لازم برای اجرای این حق از طریق بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع غذا، به صورت فردی و از طریق همکاری بین‌المللی می‌باشد. اجرای ماده ۱۱ «باید به مسائل و اقدامات حیاتی در رابطه با تمام جنبه‌های سیستم غذایی از جمله تولید، فرآوری، توزیع، بازاریابی و مصرف مواد غذایی سالم بپردازد» و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مسئولیت مشترک و فردی دارند. تا اطمینان حاصل شود که «محصولات موجود در تجارت بین‌المللی غذا یا برنامه‌های کمکی... ایمن هستند». در سازمان ملل، مجمع عمومی مدتهاست که همان رویکرد کمیته را در قطعنامه ۱۸۷/۶۳ مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸

<sup>۱</sup>. United Nations Convention on the Law of the Sea.

<sup>۲</sup>. Marine Pollution and Human Health, Environmental Research Letters.



درباره حق مواد غذایی، اتخاذ کرده است. همانطور که سال ۲۰۰۱ نیز این امر را انجام داده است، مجمع مجدداً "حق همه را برای دسترسی به غذای ایمن، کافی و مغذی، مطابق با حق غذای کافی و حقوق اساسی، ایمنی غذا و سلامت جهانی تایید می‌کند. (حاکمیت بهداشت جهانی، جلد سوم، شماره ۱، پاییز ۲۰۰۹)".<sup>۱</sup> اعلامیه جهانی تغذیه، که توسط کنفرانس بین‌المللی فائو در مورد تغذیه در دسامبر ۱۹۹۲ تصویب شد، تصریح می‌کند که "دسترسی به غذای مناسب و ایمن از نظر تغذیه‌ای حق هر فرد است" (بند ۱ اعلامیه ۱۹۹۶ (م.م)). در مورد امنیت غذایی جهانی شامل تعهد دولت‌ها به "اجرای سیاست‌هایی با هدف ریشه‌کنی فقر و نابرابری و بهبود دسترسی فیزیکی و اقتصادی برای همه، در همه حال، به غذای کافی، از نظر تغذیه‌ای کافی و ایمن و استفاده موثر از آن" است. برنامه اقدام مربوطه مقرر میدارد که دولتها تدابیری را مطابق با موافقتنامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی و سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی مرتبط، اعمال میکنند که کیفیت و ایمنی عرضه مواد غذایی را به ویژه با تقویت هنجاری و کنترل تضمین میکنند. فعالیتهای در زمینه‌های سلامت و ایمنی انسان، حیوانات و گیاهان را پیشنویس اصول حقوق بشر و محیط زیست در ۱۶ مه ۱۹۹۴ بیان میکند که «همه افراد حق دارند از غذا، آب سالم و متناسب با رفاه خود برخوردار شوند. بند ۸ بیانیه تصویب شده در اجلاس جهانی غذای فائو پنج سال بعد در ژوئن ۲۰۰۲ "حق همه برای دسترسی به غذای سالم و مغذی" را تایید می‌کند (مقدمه). و اعلامیه ۲۰۰۷ پکن در مورد ایمنی مواد غذایی بیانیه ۱۹۹۲ در مورد تغذیه را تکرار می‌کند. علاوه بر این، این دیدگاه که "ایمنی غذا و امنیت غذایی جدایی‌ناپذیر هستند" در اساس برنامه اقدام برای همکاری فنی در ایمنی مواد غذایی بوده است، که اذعان می‌کند که ایمنی و امنیت غذایی "به طور مشترک به پیشرفت کمک می‌کنند. دستیابی به اهداف توسعه هزاره، به ویژه کاهش گرسنگی و فقر، دسترسی همه به غذا، کفایت تغذیه؛ و ایمنی مواد غذایی. از این چارچوب قانونی می‌توان استنباط کرد که از منظر حقوق بشر به طور کلی پذیرفته شده است که هر فردی حق دارد از غذایی ایمن و با کیفیت برخوردار باشد، زیرا غذای ایمن برای دستیابی به رهایی از گرسنگی و لذت بردن از بهترین حالت قابل دستیابی سلامتی، کارایی دارد. از این رو برای حفظ جان و کرامت انسانی بسیار مهم است.

مقررات EC شماره ۱۷۸/۲۰۰۲ که اصول کلی و الزامات قانون مواد غذایی را وضع می‌کند، سازمان ایمنی غذای اروپا را تأسیس و رویه‌هایی را در مورد ایمنی مواد غذایی وضع می‌کند. بیشترین اهمیت را دارد، زیرا منبع اصلی قوانین ایمنی غذای اروپا است که برای همه کشورهای عضو الزام‌آور است.

<sup>۱</sup>. <http://www.ghgj.org> - ۲۱.



این مقررات همچنین تعهدات کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در رابطه با تجارت مواد غذایی، الزامات ایمنی عمومی قانون مواد غذایی و قابلیت ردیابی، با بیان این قاعده اساسی که "غذا نباید در بازار عرضه شود" را مشخص می‌کند. اگر ناامن باشد. این قانون بیشتر مسائل مربوط به مسئولیت را تنظیم می‌کند و به مسئولیت دولت‌ها و فعالان تجاری اشاره می‌کند. اجرای حقوق مصرف کننده هم علیه کشورهای عضو در برابر دادگاه‌های جامعه (اثر مستقیم عمودی)، و هم علیه سایر افراد و شرکت‌ها در اقدامات در برابر قضاات ملی (اثر مستقیم افقی) اعمال می‌شود. همکاری بین المللی در زمینه مقررات ایمنی مواد غذایی به طور پیوسته در کمیسیون Commission Alimentarius (CAC) و Codex<sup>۱</sup> و نهادهای فرعی تخصصی آن از دهه ۱۹۶۰ نهادینه شده است، به طوری که سازمان تجارت جهانی بعداً چارچوب هنجاری و قضایی را ارائه کرد. مزایای داشتن استانداردهای غذایی مورد توافق جهانی برای حمایت از مصرف کنندگان، با در نظر گرفتن تسهیل تجارت، توسط دو موافقت‌نامه مهم WTO تأیید شده است: موافقت‌نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی (SPS) و موافقت‌نامه موانع فنی برای تجارت (TBT) این موافقت‌نامه‌ها به رسمیت می‌شناسند که استانداردهای بین المللی و مقررات فنی برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان منافی به همراه دارد. هدف آن‌ها تسهیل دسترسی ایمن و قابل پیش بینی به بازارها است و تضمین می‌کند که مقررات بهداشتی موانع غیرضروری برای تجارت ایجاد نمی‌کند.

<sup>۱</sup> اصطلاح "Alimentarius Codex" لاتین است و به معنای "کد غذایی" است. اصطلاح "استانداردهای غذایی" در معنای عام آن استفاده می‌شود و شامل تمام دسته بندی متون Codex، یعنی استانداردها، کدهای عملی توصیه شده و دستورالعمل‌ها می‌شود.



## نتیجه گیری

سرانجام امر، یک مفهوم کاربردی از امنیت انسانی در حیطه کسب و کارها با آگاهی کامل از تعاریف، توصیف‌ها و ارتباط قابل درک، ارائه شد. این نشان داد که چگونه مفهوم و ارتباط می‌تواند مبتنی بر عقل عملی، انسجام داشته باشد. امنیت انسانی به بهترین وجه به صورت موردی و رویه‌ای مشخص می‌شود. به طوری که در حوزه کسب و کارها، مناسب و عملکرد محور باشد. اما واقعیت این است که کارکردهای سیاسی و منابع شناختی جهت نیاز به اقدام فوری محدوداند. گرچه امنیت انسانی مفهومی ناآشنا نیست، به طور قابل توجهی با مفاهیمی که زیربنای سیستم‌های امنیت دولتی، توسعه انسانی و حمایت از حقوق بشر هستند هم‌پوشانی دارد، تاکیدات متمایز آن سهم ارزشمندی را ایفا می‌کند که محیط امنیتی تغییر یافته کنونی به آن نیاز دارد. مانعی کمتر از آنچه پیش‌بینی می‌شود در ایجاد یک نظام حقوقی جهانی منسجم‌تر در عصر جهانی‌سازی و یکپارچگی باشد. مشروعیت بلندمدت نظام‌های تجاری، به همان اندازه که قوانین بسیاری از کشورها و اساسنامه سازمان‌ها، بر دموکراسی و پیشرفت حقوق بشر متکی است. برعکس، حقوق بشر قابل دوام، اعم از مدنی و سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نمی‌تواند بدون یک سازوکارهای سیاسی و سیستم اقتصادی کارآمد که مقررات تجارت بین‌المللی جزء مهم و حیاتی آن است، شکوفا شود. در حالی که تفسیر توافقی‌های موجود ممکن است نتایج قابل توجهی در ارتباط با این ابعاد به دست آورد و راه بسیار طولانی را به سوی این امر پیش برد، ایجاد نهادهای مشترک برای دستیابی به انسجام کامل‌تر ضروری خواهد بود. زمان خداحافظی با پراکندگی و سنت انزوای طولانی در قوانین بین‌المللی فرا رسیده است. با توجه به یافته‌های حقوق بین‌الملل، رعایت جنبه‌های هفتگانه امنیت انسانی، نه تنها مسئولیت کسب و کارها را افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به بهبود عملکرد و اعتبار آن‌ها در سطح جهانی منجر شود. در نهایت کسب و کارها بایستی بعنوان نهادهای مسئول و متعهد به توسعه پایدار عمل کنند. از طریق رعایت این جنبه‌ها، به بهبود کیفیت زندگی در جوامع و حفاظت از امنیت انسانی و حقوق بشر کمک کنند. این رویکرد علاوه بر سود کسب و کارها، به نفع جامعه بین‌المللی و کره زمین خواهد بود.



## منابع

- ۱- حیران‌نیا، جواد، برزگر، کیهان، ذاکریان امیری، مهدی، سازمان ملل و ارتقای جایگاه امنیت انسانی، فصل نامه سیاست خارجی، سال سی و هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲.
- ۲- جلالی، محمود، آرش پور، علیرضا، نوابی فرد، مهسا، رابطه تجارت آزاد و حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۷.
- ۳- رضائی، محمد رضا، میرعباسی، سید باقر، مسؤولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی (مطالعه تطبیقی حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بین الملل کیفری ۲)، دوره ۲۳، شماره ۲، ۱۳۹۸.
- ۴- چنگیز اسفندیاری، سید باقر میرعباسی، نقش سازمان ملل در تحقق امنیت غذایی در جامعه جهانی، علوم غذایی و تغذیه، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۵- John Eatwell and Lance Taylor, The Performance of Liberalized Capital Markets, Center for Economic Policy Analysis, CEPA Working Paper Series III International Capital Markets and the Future of Economic Policy A Project Funded by the Ford Foundation Working Paper No. ۸ August ۱۹۹۸ (Revised September).
- ۶- John Eatwell and Lance Taylor, BY INVITATION Why We Need a World Financial Authority, World Institute for Development Economics Research, No. ۲/۹۸, (۱۹۹۸)
- ۷- Alkire, S. A Conceptual Framework for Human Security. WORKING PAPER ۲.(۲۰۰۳)
- ۸- Tadjbakhsh, Shahrbanou. Human Security: Concepts and Implications with an Application to Post-Intervention Challenges in Afghanistan. N ۱۱۷-۱۱۸ – septembre. (۲۰۰۵)
- ۹- Fukuda-Parr, S. New Threats to Human Security in the Era of Globalization. Journal of Human Development, Vol. ۴, No. ۲.(۲۰۰۳)



- 
- ۱۰- Aldis, W. Health security as a public health concept: a critical analysis. Environmental Research Letters (۲۰۰۸) .
- ۱۱- Ibragimovich, I. B. et al. Economic Security: Threats, Analysis and Conclusions. Independent Researcher; Uzbekistan.(۲۰۲۰) .
- ۱۲- Simon, G. A. Food Security: Definition, Four Dimensions, History. Master in Human Development and Food Security.(۲۰۱۲) .
- ۱۳- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women .
- ۱۴- Kanti Bajpai, Human Security: Concept and Measurement Kroc Institute Occasional Paper #۱۹:OP:۱ August. (۲۰۰۰)
- ۱۵- C Lindsey, International Committee of the Red Cross Women and War ۱۹ Avenue de la Paix ۱۲۰۲ Geneva, Switzerland. (۲۰۰۱)

#### Documents

- ۱۶- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism .(۱۹۹۹)
- ۱۷- United Nations Convention on Biological Diversity. (۱۹۹۲)
- ۱۸- United Nations Convention on the Law of the Sea. (۱۹۹۴)
- ۱۹- Bank for International Settlements , Bank for International Settlements .(۲۰۰۳)
- ۲۰- UNODC ,The Global Report on Trafficking in Persons. United Nations Office on Drugs and Crime. (۲۰۱۰)
- ۲۱- International Committee of the Red Cross Economic Security. ۱۹, avenue de la Paix ۱۲۰۲ Geneva, Switzerland.
- ۲۲- Regional Committee for the Eastern Mediterranean (۲۰۰۲). HEALTH AND HUMAN SECURITY. EMIRC:۹۱۷.
- ۲۳- SupAgro Basic readings as an introduction to Food Security. Montpellier (Websites).(۲۰۱۲)



---

۲۴- Global Health and Global Justice (GHGJ)



## human security and business in the light of international law; A case study of the seven aspects

Mohammad Ghalbi Vaighan<sup>۱</sup>

Article Number: JHVMN-۲۰۰۳-۱۲۸۳

### Abstract

Human security, which includes seven main aspects (personal, environmental, economic, political, social, health and food), is defined as the protection of the vital core of human life against pervasive threats. In today's world, businesses, as the main players of the global economy, play an important role in strengthening these aspects. Due to the process of globalization, the responsibility of businesses has gone beyond profitability and expanded to social and environmental impacts as well. Using the descriptive-analytical approach, this study seeks to explore the effective role of adhering to human security requirements in improving the efficiency of economic enterprises and at the same time, strengthening the security foundations of societies. The central question around which this research is formed is the analysis of the interactions between the seven levels of human security with the operational patterns of businesses in the shadow of international laws. This research is important because the realization of human security, beyond a valuable moral ideal, has become a strategic component in ensuring the survival and growth of societies; In such a way that in the current dynamic and interconnected ecosystem, neglecting this vital principle will challenge the operational sustainability of companies in the long term. The findings of the research can evaluate the structural barriers and hidden capacities that business units experience in interacting with the concepts of human security, and by presenting new policy frameworks, propose mechanisms to align economic interests with human rights standards as much as possible.

**Keywords:** human security, business, sustainable development, human rights, international law.

<sup>۱</sup>. Mohammad Ghalbii Vaighan, Master's degree student, International Law, University of Tehran, Faculty of Law, Tehran, Iran, (corresponding Author). mohammad.ghalbi@ut.ac.ir

